ادبیات جهان

انتشار نامه‌های نلسون ماندلا از زندان
قهرمان زمانه ما

چارلین هانتر گالت

ترجمه بهار سرلک

فوریه ۱۹۹۰ وقتی نلسون ماندلا از زندان آزاد شد، ده‌ها روزنامه‌نگار و فیلمبردار از سراسر جهان راهی آفریقای جنوبی و سپس رهسپار جاده خاکی خانه او در سوتو شدند. من هم در میان آنها بودم. همه ما یک هدف مشترک داشتیم: ماندلا دریچه‌ای به روی ۲۷ سال زندگی در زندان به ما بدهد و از اهداف آتی‌اش بگوید. ماندلا که از سال ۱۹۶۲ روانه زندان شده بود هیچ تجربه‌ای از نشستن جلوی دوربین تلویزیونی نداشت اما برخلاف این موضوع او ساعت‌ها با کت‌وشلوار و کراوات مثل همیشه آرام نشسته بود.

سرانجام در پایان آن روز گرم نوبت من فرارسید. سوالم را با تلاش برای باز کردن دری آغاز کردم که هیچ‌کدام از روزنامه‌نگاران در گشودن آن در موفق نبودند. به او گفتم سال‌های جوانی‌ام در دوره جدایی نژادی امریکا و پیش از جنبش حقوق مدنی گذشت و به نوعی فکر می‌کنم این تجربیات با کشمکش‌هایی که او با آپارتاید داشته همخوانی دارند. قبل از اینکه جمله‌ام تمام شود، چشم‌های ماندلا درخشید و برای نخستین‌بار در آن روز نگاهی جزیی به زندگی درون زندانش انداخت. او گفت: «آه، خانم مایا آنجلو را می‌شناسید؟» سرم را تکان دادم و او رفتار محتاطانه‌اش را برای چند لحظه کنار گذاشت و گفت: «وقتی در زندان بودیم همه ما کتاب‌های او را می‌خواندیم.»

این موضوع تنها چیزی بود که در مورد ماندلا و همه زندانیان سیاسی که با او در جزیره روبن در حبس به سر می‌بردند به من و باقی روزنامه‌نگاران گفته شد. دفعه دوم که به آفریقای جنوبی سفر کردم ماه مه ۱۹۹۴ و چند روز پیش از سوگند یاد کردن ماندلا در مراسم ریاست‌جمهوری بود و من برای پیدا کردن و مصاحبه با برخی از زندانیان سابق جزیره روبن پرس‌وجو می‌کردم. یکی از دوستان آنها به من گفت: «می‌دانی، این آدم‌ها بین خودشان فقط درباره سال‌های بعد از زندان حرف می‌زنند.»

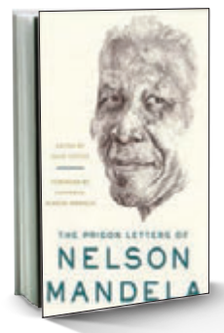

اما در نهایت ماندلا آن سال‌ها را شرح داد؛ او در خودنگاره ماندگارش با جزییاتی تصویری این سال‌ها را توصیف کرد. والتر سیسولو و احمد کاترادا او را ترغیب کردند در زندان کتاب «راه دشوار آزادی» را بنویسد. اما حالا در یکصدمین سالروز تولد او، کتاب «نامه‌های زندان نلسون ماندلا» حاوی ۲۵۵ نامه دست‌نوشته منتشر شده است که احساسات، دلشکستگی‌ها و منابع الهام او را از زمان زندانی بودنش بکر و دست‌نخورده به معرض نمایش می‌گذارد؛ او ابتدا به زندان جزیره روبن سپس به زندان پولزمور خارج از کیپ تاون و سرانجام در سال ۱۹۸۸ به زندان ویکتور ورستر نزدیک شهر پارل رفت. در این زندان بود که با مقامات دولتی وارد مذاکره شد و خیلی زود آزادی‌اش رقم خورد.

این کتاب خواننده را با دقیق‌ترین شواهد به دست آمده از تکامل فکری ماندلا و تبدیل او به یکی از قهرمانان زمانه ما به دست می‌دهد. جمع‌آوری این کتاب ۱۰ سال برای وسم ونتر، روزنامه‌نگار و نویسنده اهل آفریقای جنوبی زمان برد. او این نامه‌ها را از منابع مختلف به دست آورده است. اغلب این نامه‌ها ماندلا را همسری دوست‌داشتنی و پدر باملاحظه پنج فرزند به تصویر می‌کشند. این کتاب تلاش او را برای در ارتباط ماندن با خانواده‌اش نشان می‌دهد.

سوژه روز

به صف منت گذاران اضافه نشوید

رامین صدیقی، مدیر موسسه نشر موسیقی «هرمس» و تهیه‌کننده در پی انتشار اطلاعیه دست اندرکاران پروژه «سی» به آهنگسازی سهراب پورناظری، خوانندگی همایون شجریان و کارگردانی حسن معجونی مبنی بر توقف پروژه به دلیل آنچه به عنوان غم‌ها و نگرانی‌های معیشتی مردم عنوان شده واکنش نشان داد. در متن منتشر شده از سوی رامین صدیقی آمده است: «در روزگاری که شرایط اقتصادی مناسب نیست نباید به هیچ کس خرده گرفت که از انجام دادن یک پروژه هنری یا اجرای آن انصراف می‌دهد، به هر حال بسیاری از همین راه ارتزاق می‌کنند و لازم است حداقل امیدواری‌هایی برای بازگشت سرمایه فکری، زمانی و مالی‌شان داشته باشند. هرچند شاید کنار کشیدن سبب کاهش بیشتر شادابی در جامعه و افزایش همین رخوت شود، اما به هر حال نباید هم توقع داشت که کسی از اندوخته‌اش، بدون انتظار بازگشت، هزینه کند اما حداقل انتظار این است تا با شهامت این را عنوان کنیم و منت انجام ندادن یک کار را بر سر همان انسان‌هایی که مشکل معیشتی دارند، نگذاریم. از مسوول گرفته تا منصوب، به اندازه کافی بر سر شهروندان این مملکت منت گذاشته شده و در ازا هیچ چیز هم بهشان نداده‌اند. شما دیگر به صف لشکر منت‌گذاران اضافه نشوید. برای چندمین بار است که از این اخبار می‌شنوم و از برخی مطبوعاتی‌ها هم واقعا گله دارم که چنین اخباری را اشاعه می‌دهند بی‌آنکه آن را نقد کنند.»

گزارش

نشست مطبوعاتی بیستمین مراسم سالانه خانه سینما برگزار شد
جشن بزرگ اما کوچک

احمد معینی جم/ایرنا

تینا جلالی

اولین نشست رسانه‌ای بیستمین جشن بزرگ سینمای ایران روز گذشته در حالی برگزار شد که مهم‌ترین خروجی نشست این بود که امسال جشن خانه سینما بدون برگزاری مراسم ویژه و فقط با داوری فیلم‌ها برگزار می‌شود.

هرساله خانه سینما همزمان با روز ملی سینما (۲۱ شهریور) به پاس زحمات و تلاش اهالی سینما و با درنظر گرفتن سطح تولیدات و کیفیت بخش‌های مختلف فیلم‌های سینمایی جشنی باشکوه را برگزار می‌کند و به برگزیدگان هر بخش تندیس اهدا می‌کند که قدمت برپایی این جشن بیست سال است. اما امسال با توجه به فشار اقتصادی که بر کشور متحمل شده دست‌اندرکاران این رویداد به ریاست علی نصیریان تصمیم گرفتند که این مراسم را در ابعاد کوچک‌تر برگزار کنند.

منوچهر شاهسواری، مدیرعامل خانه سینما با اشاره به اینکه برگزاری جشن خانه سینما حق سینمای نجیب و اهالی سینمای ایران است و سینماگران ایرانی یک روز را دور هم جمع می‌شوند و جشن باشکوه می‌گیرند، گفت: «ایام پرقصه اما پرغصه‌ای را سپری می‌کنیم به امید اینکه پایان هر قصه‌ای افتخارآمیز و حماسی باشد تلاش می‌کنیم این دوره جشن خانه سینما با داوری و قضاوت‌های منصفانه برگزار شود اما از هرگونه مراسم بزرگ و پرهزینه خودداری می‌کنیم.»

تورج منصوری که دبیر هیات‌مدیره آکادمی جشن خانه سینما است نیز در همین زمینه گفت: «احساس کردیم دین بیشتری نسبت به سینماگران داریم و به نظرمان آمد که جشن امسال را با صرفه‌جویی برگزار کنیم تا از طرف دیگر بتوانیم به مسائل بیمه‌ای اهالی سینما بیشتر ورود پیدا کنیم؛ صدالبته که جنبه حمایتی از اهالی سینما را به صورت زیرساختی در نظر داریم.»

در چند سال اخیر اهالی سینما به کرات نسبت به عدم حمایت معنوی و مالی خانه سینما در رسانه‌ها گلایه‌های خود را ابراز داشتند؛ هنرمندانی که در شرایط مالی سخت سالیان زیادی است که بیکارند. حال باید ببینیم این صحبت‌های تیم برگزاری جشن خانه سینما چقدر در سال جاری جنبه اجرایی پیدا می‌کند و تا چه اندازه حالت نمایشی خواهد داشت؟

نمی‌توانیم بین سینماگران تبعیض قائل شویم

تورج منصوری، دبیر هیات‌مدیره آکادمی در پاسخ به پرسش خبرنگار «اعتماد» مبنی بر اینکه وقتی همه دست‌اندرکاران جشن خانه سینما دم از مودت و دوستی در شرایط بحرانی کنونی می‌زنند چرا دبیر جشن خانه سینما و هیات رییسه آکادمی برای داوری و نمایش برخی سینماگران مطرحی همچون کیانوش عیاری استثنا قائل نمی‌شوند؛ در حالی که همین سینماگران برجسته بودند که در شرایط سخت و بحرانی خانه سینما به کمک و یاری این خانه آمدند، گفت: «ما هم می‌دانیم که باید از افرادی که صاحبنام هستند و برای سینما زحمت کشیدند، حمایت کنیم اما باید از احساسات فاصله بگیریم و نمی‌توانیم تفاوتی بین فیلمسازان قائل شویم. آیا می‌خواهیم گوشه‌چشمی به این فیلم‌ها داشته باشیم یا اینکه می‌خواهیم مساله آقای عیاری را ریشه‌ای درمان کنیم؟! ما موظف هستیم در چارچوب منطق و اصول مقوله داوری آثار را در نظر بگیریم. ما هم خوشحال بودیم که بخش غیررقابتی و جنبی در جشن داشته باشیم اما کانون کارگردانان با بخش غیررقابتی مخالفت کرد. این پیشنهاد را خود کانون کارگردانان هم نپذیرفت و حاضر به دیده شدن این فیلم‌ها در بخش غیررقابتی نشدند.»

به هم درست نگاه کنیم

در ادامه این نشست علی نصیریان به این نکته اشاره کرد که موافق برگزاری هر جشن و جشنواره‌ای در کشور است چون سینماگران ایرانی نیاز به تشویق و ترغیب برای ادامه فعالیت‌شان دارند: «برگزاری جشن برای رقابت نیست به منظور رشد و توسعه افراد است که جشن برگزار می‌کنیم. این روزها ما به هم نگاه درستی نداریم؛ برگزاری جشن برای مودت و دوستی بیشتر است هر موفقیتی که برای سینمای ایران در اسکار یا کن حاصل می‌شود به همه ما تعلق دارد، به آقای فرهادی گفتم که در جوایز تو من هم سهیم هستم و این باعث سرافرازی همه ما است. هرچند جایزه برای سینمای ایران برای دوران فعالیت غفاری و گلستان و کیمیایی است.»

در ادامه تورج منصوری با بیان اینکه به دلیل همزمانی با ماه محرم قطعا شب ۲۱ شهریور جشن برگزار نمی‌شود، اشاره کرد که برای چگونگی برگزاری این رویداد فعلا تصمیمی نگرفته‌اند اما پیشنهادات مختلفی مطرح شده از جمله اینکه برگزیده‌ها در رسانه ها اعلام شوند یا به صورت زنده، اما فعلا به نتیجه‌ای نرسیده‌اند.

به لحاظ تکنیکی نمی‌توانیم همه آثار را داوری کنیم

منصوری همچنین درباره درخواست کانون کارگردانان برای داوری فیلم‌های صرفا دارای پروانه ساخت ضمن توضیحات مفصل گفت: «کانون کارگردانان طی یک نامه درخواست کرد به دلیل اینکه امسال آخرین دوره برگزاری جشن به شیوه غیرآکادمی است یک بازه سه ساله را برای داوری آثار درنظر بگیریم درخواست کانون مبنی بر این بود که پروانه فیلمسازی لحاظ شود.» به گزارش ایسنا، دبیر هیات آکادمی جشن خانه سینما گفت: «۴۰ فیلم در سال ۹۴، ۴۵ فیلم در سال بعد و ۴۳ فیلم در سال ۹۶ تولید شده که دیده نشده‌اند در نتیجه این ۱۲۸ فیلم باید به ۷۵ فیلم که هرساله در جشن خانه سینما داوری می‌شوند، اضافه می‌شد. یعنی در طول دو ماه باید روزی ۵ فیلم را به نمایش بگذاریم که این غیرممکن است چون برخی از آنها اصلا دی‌وی‌دی نشده‌اند. ضمن اینکه از بین ۷۵ فیلم ما ۴۵ تا باید روی پرده نمایش داده شوند و در نهایت حدود ۱۷۰ فیلم را در مدت کمتر از دوماه باید نمایش دهیم. بنابراین طبق بررسی‌ها این پیشنهاد عملی نبود، نه اینکه نخواهیم چون اتفاقا نظرات مثبت بود ولی به شکل تکنیکی نمی‌توانستیم آن را اجرایی کنیم. همچنین باید قالب و چارچوبی را تعیین کنیم تا تمام فیلم‌ها برای داوری یک جنس باشند بنابراین در زمین بازی ما این کار عملی نیست.»

همچنین مازیار میری در پاسخ به پرسشی درباره اینکه جشن سال قبل یک‌میلیارد هزینه داشته گفت: «هزینه جشن نوزدهم ۸۲۴ میلیون تومان بوده است.»

در بخشی از نشست این پرسش مطرح شد که تصمیم خانه سینما برای برگزار نکردن جشن غیرقابل باور است آن هم در شرایطی که جشنواره‌های پرهزینه‌ای مثل جشنواره جهانی برگزار می‌شود یا اینکه چرا اسپانسر برای جشن گرفته نمی‌شود؟ که منوچهر شاهسواری به این سوال پاسخ داد: «مساله ما خانه سینما است و اگر رویدادی دیگر برگزار می‌شود، متولی خودش مثل سازمان سینمایی باید پاسخگو باشد. اصولا خانه سینما در مقابل استفاده از اسپانسر یک قید اخلاقی دارد که استیج خود را نمی‌تواند به هرکسی بدهد. برای حمایت دولت از برگزاری جشن، ما هیچ توقعی را با دولت مطرح نکردیم.»

مدیرعامل خانه سینما در انتهای نشست تاکید کرد: «شایعه‌ای مبنی بر اینکه سازمان بازرسی به چگونگی برگزاری مراسم ورود کرده، صحت ندارد چون ما سالانه حسابرسی در خانه سینما داریم و هیچ ایرادی درباره حسابرسی‌های خانه سینما تاکنون وجود نداشته است.»

در پایان این نشست، نصیریان خطاب به داوران گفت: از آنها می‌خواهم منصفانه و با دیدی حرفه‌ای به فیلم‌ها نگاه کنند نه با کینه، دشمنی، ضابطه یا رابطه! داوری‌ها باید بحق و درست باشد. از داورها خواهش می‌کنم آنچه واقعیت است را داوری کنند.

همچنین مازیار میری اعلام کرد که داوری‌ها از شنبه آینده (۲۳ تیرماه) آغاز می‌شود و ۵۱۹ نفر حائز شرایط داوری بودند که ۹۲ نفر خانم‌ها هستند.

نشست خبری بیستمین جشن خانه سینما با حضور منوچهر شاهسواری (مدیرعامل خانه سینما)، علی نصیریان (رییس جشن)، تورج منصوری (دبیر هیات‌مدیره آکادمی)، مازیار میری (مدیر اجرایی جشن) صبح روز گذشته در تالار زنده‌یاد سیف‌الله داد خانه سینما برگزار شد.

نقد روز

نگاهی به ایفای نقش زنده‌یاد ناصر ملک‌مطیعی در فیلم «برزخی‌ها»
استوار و ماندگار

محمد ایران‌دوست

در میان آثار هنری و سینمایی آثاری وجود دارند که نیاز است در مقاطع مختلف تاریخی و برای نسل‌های مختلف و به قول زنده‌یاد فردین برای آدم‌های تازه به نمایش درآیند، تا مخاطبان به ویژه جوانان با ارزش‌ها و هنجارهای زلال انسانی و اخلاقی بیشتر آشنا و مانوس شوند. فیلم ارزشمند برزخی‌ها به کارگردانی ایرج قادری با بازی ناصر ملک‌مطیعی، فردین، سعید راد، ایرج قادری و محمد علی کشاورز یکی از این آثار است. فیلمی که در سال ۱۳۶۱ به نمایش درآمد و با استقبال گرم و پرشور مخاطبان مواجه شد و با حاشیه‌هایی که برای فیلم پدید آمد خیلی زود از پرده پایین کشیده شد و به محاق رفت و بسیاری از ارزش‌های هنری و محتوایی آن نادیده انگاشته شد. خارج از بحث حاشیه‌های فیلم برزخی‌ها که تامل در آن بدون تردید برای موافقان و مخالفان فیلم بسیار عبرت‌آموز و راهگشاست، نگاهی گذرا داریم به بازی زنده‌یاد استاد ناصر ملک‌مطیعی در نقش استوار ژاندارمی در این فیلم جذاب و پرمخاطب، فیلمی که پس از اکران آن تا سال‌ها زنده‌یاد ملک‌مطیعی و بازیگران مشهورش ممنوع‌الکار شدند؟!

روایت فیلم برزخی‌ها با فرار زندانیان آغاز می‌شود. در بهمن سال ۱۳۵۷ در بحبوحه شکل‌گیری انقلاب اسلامی مردم به زندان‌ها هجوم می‌آورند و زندانیان در بند حکومت ستمشاهی را رها می‌سازند. در این شرایط ملتهب چند زندانی سابقه‌دار فرصت را مغتنم می‌شمارند و همراه سایر زندانیان از زندان می‌گریزند. زندانیان قصد دارند از طریق مرزهای غربی، از کشور فرار کنند که در میان مسیر گرفتار ایست بازرسی نیروهای انقلابی و سپس ژاندارمری می‌شوند. با ترفندی از دست آنان نیز می‌گریزند و در ادامه راه وارد روستایی مرزی در غرب کشور می‌شوند. در روستا حوادث و رویدادهایی رخ می‌دهد که افکار و آرزوهای آنان دچار تغییر و تحول اساسی می‌شود و با زیبایی‌ها و حقایقی مواجه می‌شوند که در زندگی آنان پیش از این جایی نداشته است. زندانیان فراری با مشاهده وضعیت مردم روستا خروج از کشور را فراموش می‌کنند و پابه پای مردم با متجاوزان بعثی که می‌خواهند هست و نیست روستاییان را به تاراج ببرند قهرمانانه به مبارزه برمی‌خیزند. ماجرای فیلم برزخی‌ها در روستایی اتفاق می‌افتد که نماد ایران پس از انقلاب است. در این روستا فرهنگ غنی ایرانی حاکم است، میهمان ارج و قرب بالایی دارد، اگر کسی به روستا تعدی و تجاوز کند مردان روستا متجاوز را سرجایش می‌نشانند، از سلاح‌های پیشرفته دشمن، هراسی وجود ندارد، اهالی روستا برای آبادانی آن شبانه‌روز تلاش می‌کنند، علم‌آموزی رایج است، اگر کسی خلاف و خیانتی مرتکب شود سخت مجازات می‌شود ولو پسر کدخدا باشد، عطوفت و مهربانی و ارزش‌های انسانی موج می‌زند، کعبه آمال کدخدا زنجیر شدن و گره خوردن دل‌های مردم با یکدیگر است، زنان صاحب حق و حقوقند و خودشان سرنوشت‌شان را برمی‌گزینند، حفظ حرمت خون شهدا بر زنده‌ها و آیندگان واجب و حیاتی است، مردم از آزادی و حق انتخاب و عقیده برخوردارند و حاکم بر سرنوشت خویشند.

زندانیان فراری که افکار و باورهای‌شان فرسنگ‌ها با مردم این روستا فاصله دارد نظاره‌گر زنان و مردان و کودکانی هستند که برای آزادی و استقلال با متجاوزان تا پای جان می‌جنگند و در برابر هموطن‌شان متواضعانه و برادرانه رفتار می‌کنند. در این روستا ارزش‌های انسانی و مفاهیم عرفانی حاکم است که گمشده و آمال همه انسان‌هاست. زندانیان وقتی وارد چنین جغرافیا و فضایی می‌شوند در برزخ ماندن و رفتن قرار می‌گیرند اما پس از فرازوفرودهایی به فطرت‌شان رجوع می‌کنند و مانند انسان‌های پاک و خوش‌طینت در برابر حقیقت و درستی رفتار اهالی روستا کرنش می‌کنند. در فیلم برزخی‌ها ناصر ملک‌مطیعی در نقش استوار ژاندارمری است که با وجود نداشتن سرباز بر این باور است که باید با تمام توان برای کشور تلاش کرد و کمتر نق زد. در سکانسی او وقتی وارد روستا می‌شود تا زندانیان فراری را دستگیر کند با مشاهده وضعیت روستا و روحیه و انگیزه بالای روستاییان برای مقاومت در برابر متجاوزان عراقی به گروهبان (حسین شهاب) که در کنارش ایستاده با لحن لوطی‌منشانه می‌گوید: گروهبان یادته پرسیدی این روستا چقدر می‌تونه مقاومت کنه؟

گروهبان: بله، سرکار استوار شما گفتید نمی‌دونم!

استوار: حالا می‌دونم گروهبان، تا دنیا هست این ده هم هست، آره.

استوار (ناصر ملک‌مطیعی) در فیلم اکشن برزخی‌ها با سیمایی پرجذبه و باابهت همیشگی، مامور وظیفه‌شناسی است که برای انجام ماموریت‌ها و حفظ مرزهای کشور سر از پا نمی‌شناسد، کمبود نیرو و امکانات، خللی در روحیه او ایجاد نمی‌کند و در برابر متجاوزان بعثی مردانه می‌ایستد، دانش و تجربه نظامی خود را به کار می‌گیرد و لحظه‌ای از دشمن درنده‌خو غافل نمی‌شود. این نقش فراموش‌نشدنی در اوایل دهه شصت در هدایت و ترغیب جوانان برای اعزام به جبهه‌های نبرد و مقابله با متجاوزان بعثی بسیار تاثیرگذار بود. استوار در سکانس پایانی فیلم بر بالین زندانیان فراری (ایرج قادری و سعید راد) که به وسیله گلوله‌های متجاوزان بعثی غرق در خون هستند، حاضر می‌شود و دفاع شجاعانه و قهرمانانه آنان را می‌ستاید و با صورتی مجروح و خون‌آلود اما مصمم به افق‌های پیش‌رو می‌اندیشد. ناصر ملک‌مطیعی با بازی درخشان و ماندگار خود در نقش سرکار استوار ژاندارمری به این نقش هویتی خاص می‌بخشد؛ هویتی که پس از سال‌ها در فیلم‌ها هنوز تکرار نشده است. ایفای نقش ناصر ملک‌مطیعی به سبکی است که ارزش‌های متعالی انسانی که در جامعه کمرنگ شده یا رنگ باخته و همگان تشنه شنیدن و دیدن آن هستند را بازگو می‌کند و به خیل مخاطبانی که سال‌هاست با اشتیاق آثار او را دنبال می‌کنند این پیام را می‌دهد که مردی و مردانگی در دفاع از حقیقت و عدالت و ایستادگی در برابر زیاده‌خواهان و متجاوزان معنا پیدا می‌کند. شنیدن این پیام‌ها و توصیه‌های ناب و گهربار از قهرمانان واقعی فیلم‌ها در افکار و ناخودآگاه جوانان بسیار تاثیرگذار و حرکت‌آفرین است. هنرمندان سرمایه‌های عظیم ملی به شمار می‌آیند و سال‌ها و دهه‌ها طول می‌کشد تا چنین سرمایه‌های گرانبهایی پدید آیند؛ بیاییم قدرشان را بیشتر بدانیم.

ادامه از صفحه اول

رفع ابهام برای مسکو

در واقع معنای ارسال پیام در این سطح به معنای این است که قرار است تهران و مسکو، باب مراوده‌ای تازه و فراتر از گذشته را باز کنند. قطعا مادامی که محتوای پیام‌هایی که گفته می‌شود قرار است همراه با مشاور امور بین‌الملل رهبری به رییس جمهور روسیه تقدیم شود، نمی‌توان در مورد متن و جزییات آن اظهارنظر کرد. اما چند چیز را می‌توان از فرم و شکل این اقدام برداشت کرد. اول از همه اینکه بر اساس آنچه از شرایط کنونی بر می‌آید نه قرار است و نه لزومی دارد ایران گام تازه‌ای بردارد و اقدام تازه‌ای انجام دهد، چرا که مسوولیت‌ها و تعهدات خود را بر مبنای توافق‌های بین‌المللی به انجام رسانده است. نکته دوم این است که ارسال چنین پیامی بیش از هر چیز اهمیت مسائل و تحولات اخیر در روابط دوجانبه را برای روس‌ها تبیین خواهد کرد. در واقع چنین پیامی نشان می‌دهد که تحولات جاری، آنقدر مهم است که لزوم برقراری تماس در چنین سطحی پیش می‌آید.

در مسکو، قطعا استقبال خوبی از این رویداد می‌شود. ولادیمیر پوتین احساس می‌کند که سطح روابط به جایگاه و درجه‌ای رسیده است که مخاطب چنین پیامی قرار می‌گیرد. تفاوت وجود دارد میان زمانی که رییس جمهور روسیه به تهران سفر می‌کند و به عنوان بخشی از تشریفات استقبال با بالاترین مقام ایران گفت‌وگو کند یا اینکه به اختیار مخاطب یک پیامی از سوی بالاترین مقام‌های سیاسی و رسمی ایران قرار بگیرد. چنین پیامی قطعا چه مسائل سیاسی در چارچوب روابط دوجانبه و چه مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی جاری را مورد پوشش قرار می‌دهد. طبیعی است که چنین چیزی از سوی پوتین مورد استقبال قرار بگیرد، چرا که هم نشان‌دهنده ارتقای روابط دوجانبه بین مسکو و تهران است و هم از جهت دیگر باعث می‌شود رییس جمهور روسیه بتواند با دریافت این پیام در مجامع بین‌المللی و گفت‌وگوهای بلندپایه خود را به عنوان فردی مورد اعتماد تهران و بالاترین مقام‌های ایرانی معرفی کند. چنین جایگاه باعث می‌شود که هم دست پوتین برای اظهارنظر از جانب تهران در گفت‌وگوهای دیپلماتیک پیش رویش بیشتر شود و هم اجازه می‌دهد که شخصا در این جایگاه از اعتماد ایران به نفع خودش هم بهره‌برداری کند.

موضوع دیگری که پیامد طبیعی این ارتباط است، این است که هرگونه تردیدی را در بین مقام‌های روس نسبت به جایگاه مسکو در دستگاه سیاستگذاری تهران از بین ببرد. به اعتقاد من اگر در میان مقام‌های بلندپایه روس، تا امروز کوچک‌ترین تردیدی وجود داشت که تهران نسبت به روسیه دیدگاهی ابزارگرایانه، منفعت‌طلبانه یا فرصت‌طلبانه‌ای باشد، با ارسال این پیام از بین خواهد رفت. در واقع این فرصت برای سیاستگذاران مسکو و رییس‌جمهور این کشور فراهم شده است که اگر کوچک‌ترین شکی در مورد رفتارها، سیاست‌ها یا اقدامات تهران داشتند یا نسبت به نیات و انگیزه‌های گروهی از مقام‌ها یا سیاستمداران ایرانی سوتفاهمی وجود داشت، از بین برود و رفع ابهام شود. می‌توان گفت با این سفر و این پیام، برای مسکو روشن خواهد شد که تهران به عنوان یک همکار سیاسی جدی قابل اتکا است. شاید بتوان گفت که شکل و صورت این پیام خود متضمن بخشی از معنا و محتوای این پیام است. همین که ایران در بالاترین سطح در زمینه روابط دوجانبه اطمینان می‌دهد و ابراز علاقه می‌کند و از آنها می‌خواهد که رابطه با تهران را جدی بگیرند. به نظر من این یک فرصت بسیار مناسب برای مسکو است، اگر تاکنون تردیدی داشتند یا نگران بودند که تعهدی بکنند و بعدها به دلیل تعلل یا تغییر سیاست تهران، زیر بار این تعهد تنها بمانند، امروز می‌توانند اطمینان داشته‌باشند.

قطعا نباید فراموش کرد که حد روابط تهران و مسکو، قطعا در چارچوب منافع ملی دو طرف تعریف می‌شود. با وجود اینکه با این اقدام می‌توان از ارتقای بیشتر روابط دوجانبه صحبت کرد، اما همچنان مساله منافع ملی مرز اقدام‌ها چه در تهران و چه در مسکو خواهد بود و دو طرف هیچ یک حاضر نخواهند شد از منافع ملی خود به خاطر روابط دوجانبه بگذرند. تنها تفاوتی که ایجاد می‌شود این است که ابهام‌ها برای مسکو برطرف می‌شود و برای پوتین روشن خواهد شد که اگر تاکنون شکی وجود داشت که بخشی از منافع ملی روسیه در رابطه سازنده و فعال با تهران تامین می‌شود، حالا اطمینان خواهد یافت که رابطه با تهران تامین‌کننده منافع ملی تهران است. ارسال پیامی در این سطح، نشان می‌دهد که سیاست خارجی تهران در قبال مسکو، خارج از تمامی جناح‌بندی‌ها و مباحث سیاسی و افراداست.

سفیر پیشین ایران در اتحاد جماهیر شوروی و فدراسیون روسیه

ابزارهای کنترل مصرف بنزین

بدون هراس از برخی تحلیل‌های غیراقتصادی به سمت اصلاح قیمت انرژی حرکت کند. لازم است در شرایط کنونی واقعیت‌های مصرف بنزین به مردم گفته شود و با ابزار قیمتی آنان را به صرفه جویی در مصرف سوخت تشویق کرده و قیمت‌ها را افزایش دهد. تجربه ثابت کرده که با ساخت انیمیشن و نوشتن شعارهای تبلیغاتی نمی‌توان از مردم خواست در مصرف سوخت، آب و برق صرفه جویی کنند و بهترین ابزار برای این کار نظام سهمیه‌بندی و ابزار قیمتی است. از این رو پیشنهاد می‌شود که دولت سه قیمت را برای بنزین در نظر بگیرد. نخست سهمیه هزار تومانی تعریف کند، سپس سهمیه ۱۵۰۰ تومانی در نظر بگیرد و در نهایت قیمت را برای افرادی که بیش از این سهمیه مصرف دارند آزاد کند. طبیعی است در این صورت یکی از مهم‌ترین مسائل اقتصاد ایران در بخش سیاستگذاری و تصمیم‌سازی حل خواهد شد. البته لازم است تا سیاستگذار در این زمینه با مردم گفت‌وگو کرده و مسائل و مشکلات کشور را با آنان در میان بگذارد نه اینکه مثل دولت قبل به یک‌باره تصمیم به افزایش قیمت گرفته و به نظام اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شوک وارد کند.